

به استفاده از کالا و خدمات داخل کشور نمود؛ زمانی که هیچ الزام قانونی برای آن وجود نداشت.

**حلاج:** موضوع الزام به خرید از تامین‌کنندگان داخلی مربوط به قوانین آمره بالادستی است و ربطی به قوانین ارجاع کار و مشخصاً قانون برگزاری مناقصات ندارد. یعنی اگر شما با آئین‌نامه شهرداری هم قرارداد ببندید باز هم نمی‌توانید در هر شرایطی از جمله وقتی محصول داخلی با کیفیت وجود دارد محصول خارجی بخرید. حتی امروز اگر قانون مناقصات منسوخ شود و با قانون سال ۱۳۴۹ بخوایم مناقصات را برگزار کنیم، قانون آمره بالادستی یعنی قانون «حداکثر استفاده از توان داخل» که در سال ۱۳۹۸ تصویب شد، اجازه خرید محصولات خارجی را در هر شرایطی نمی‌دهد. در این قانون آمره تنها خرید خارجی ممنوع دانسته شده بلکه تکلیف می‌کند اگر می‌خواهید خرید خارجی انجام دهید که علم دارید تولید مشابه داخلی ندارد باز هم سه ماه پیش از فراخوان باید این موضوع را اعلان عمومی کنید. در قانون برگزاری مناقصات آمده است: «منافسه‌گران داخلی بر منافسه‌گران خارجی ترجیح دارند. نحوه ترجیح منافسه‌گران خارجی در اسناد مناقصه قید خواهد شد.» اسناد مناقصه را چه کسی تهیه می‌کند؟ همان مدبری که مدعی است قانون مناقصه دست او را بسته است. در واقع قانون مناقصه می‌گوید خود مدیر باید بگوید چگونه و چقدر از توان داخلی می‌تواند استفاده کند. شما اگر گمان می‌کنید واقعاً در شرایط برابر، اجرای پروژه توسط مجری ایرانی یک درصد به نفع اقتصاد کشور است؛ اگر یک ریال بیشتر از رقیب خارجی پیشنهاد داد؛ کار را به او بسپارید اما اگر دو ریال گران‌تر بود، کار را به رقیب خارجی بسپارید. بنابراین این مربوط به قانون دیگری است و نه قانون برگزاری مناقصات. اینجاست که می‌گوییم مجلس باید هوشیار باشد تا با گزارش‌های کذب، سیاستگذاری‌ها به مسیر اشتباه نرود. این پاورپونت اگر مستند و مستدل است چرا مرجع تهیه‌کننده ندارد؟

**آی‌انکه سرمایه‌گذار در صورت تغییر رفتار مخزن، اجازه تغییر قرارداد بیش از ۲۵ درصد را ندارد هم در قانون مناقصات آمده است؟**

**حلاج:** خیر. قانون مناقصات، قانونی است در حوزه ارجاع کار. در آئین‌نامه‌ها، قوانین و مقررات و اسناد پیمانی است که برخی از این مقررات آمده است که ارتباطی به قانون مناقصات ندارد. اگر معتقدند که قانون مناقصات اجازه تغییر بیش از ۲۵ درصد را نمی‌دهد؛ چرا شماره ماده را ذکر نمی‌کنند؟ این نشان می‌دهد؛ کسی که می‌گوید قانون مناقصات را باید کنار بگذاریم هم می‌خواهد قانون حداکثر استفاده از توان داخل را نقض کند و هم قانون معاملات دولتی که درباره ۲۵ درصد صحبت می‌کند را کنار بگذارد. بنابراین کلاً با قانون مشکل دارند.

**آدنیا در حال حرکت به سمت سوخت پاک است. شاید انگیزه‌ای که باعث شده برخی بخواهند شرایط قراردادهای نفتی را تسهیل کنند، استفاده از آخرین فرصت‌ها برای آرزوی از سوخت‌های فسیلی باشد. به هر حال دنیا به تدریج میل به مصرف سوخت فسیلی را از دست می‌دهد و بهره‌برداری سریع‌تر از این منابع از این جهت حائز اهمیت است.**

**حلاج:** بله باید شرایطی برای سرمایه‌گذاری مهیا شود. اما اینکه بررسی مفاد قرارداد به مدت ۱۰ روز را بهانه قرار می‌دهند، عجیب است. خداکیلی ۱۰۰ روز تاخیر در بستن یک قرارداد، کدام سرمایه‌گذار را فراری می‌دهد؟ اتفاقاً برعکس آنچه می‌گویند که می‌خواهند از سرمایه‌گذار حمایت کنند؛ این بازگشت به آیین‌نامه معاملات نفت است که باعث گسترش اختیارات شخصی صاحبان مناصب می‌شود. سرمایه‌گذار واقعی می‌خواهد قراردادها شفاف باشد و همه ابعاد آن روشن شود تا بعداً در مظان اتهام نباشد. چون نمی‌تواند به امید آنکه شخص این آقا یا خانم طرف قرارداد به تعهدات خود به‌درستی پایبند می‌ماند، قراردادی توأم با ابهام و غیرشفاف را امضا کند. کسی که نمی‌خواهد ابعاد موضوع روشن شود، سرمایه‌گذار واقعی نیست. بسیاری از دعوای‌های دوره قرارداد و توقف پروژه‌ها به دلیل کوتاهی در دوران ارجاع کار، اسناد ناقص مناقصه، عدم پاسخ درست سوالات مناقصه‌گران و نبود شفافیت است. نام جلسه را پرسش و پاسخ می‌گذاریم ولی در جلسه می‌گوییم اگر سوالی هست بفرمایید اگر هم نیست بفرمایید (اینجا به معنای بفرمایید بروید جلسه تمام شد). شما باید مثل یک استاد دانشگاه، شرایط را تشریح کنید. فیلم منطقه را نشان دهید. اشکالات زمین‌شناسی، مسائل بومی منطقه، راه‌های دسترسی و اسناد هوشناسی ۲۰ سال گذشته را تشریح کنید بعد بپرسید آیا سوالی و ابهامی وجود دارد یا خیر. حتماً بهره‌برداری سریع از میادین نفت و گاز به‌خصوص میادین مشترک، بسیار اهمیت دارد. اما این ماجرا مانند حکایت مسافری است که باید ۱۲ ظهر در مقصدی حاضر باشد که دو ساعت رانندگی لازم دارد ولی ۱۱ ظهر از خواب بیدار می‌شود. بسیاری از زمان‌هایی که امروز به آن خرده می‌گیرند مربوط به زمان قبل از مناقصه است. بیشتر وقت صرف‌شده مربوط به تدوین اسناد پیش از مناقصه و تصمیم‌گیری و بوروکراسی اداری برای تصمیم به شروع کار است. برای مناقصات داخلی ۱۰ و در مواردی (یکپارچه دارای ارزیابی کیفی) ۱۴ روز و در مناقصات بین‌المللی ۳۰ روز است و زمان بقیه تشریفات فرایند بستگی به خود دستگاه دارد. این حتی به نظر می‌رسد که فرصت کمی است برای ارائه‌یک پیشنهاد. گاهی ما حتی تاخیرهای چندده‌ساله در خصوص تصمیم‌گیری برای بهره‌برداری از منابع را داریم؛ آیا سنگینی نظام بوروکراسی اداری و تصمیم‌گیری خودمان را به پای قانون موجود نمی‌گذاریم؟ اینکه من فرایند ارزیابی را شش‌ماه انجام دهم آیا مرتبط با قانون است؟

**ادامه دارد...**

فناوری و بهره‌وری بالاتر، تولید تجمعی بیشتری را نصیب کشور می‌کند. ساده‌سازی و یا شاید بهتر بگوییم ساده‌انگاری مندرج در قانون برگزاری مناقصات و دادن اصالت به هزینه، در عمل و به‌ویژه در طرح‌ها و پروژه‌های تخصصی و نیز در قراردادهای سرمایه‌گذاری که موضوع اصلی حداکثرسازی عایدی دولت و کشور است، الزاماً تأمین‌کننده صرفه و صلاح دستگاه‌های اجرایی و منافع عمومی و ملی نیست.

**حلاج:** این ادعا اشتباه است. در قانون ذکر شده «منافسه فرایندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر». اصلاً هدف اصلی قانون «تأمین کیفیت» است. هر جای قانون از نظر دوستان مشکلی دارد، می‌توانیم درباره آن صحبت کنیم و قانون را اصلاح کنیم. اینکه به جای اصلاح قانون، آن را کامل کنار بگذاریم منطقی نیست. نظام قانونی ما در بخش معاملات عمومی که از قضا در سراسر جهان پرمفسده‌ترین و پرتحرف‌ترین شاخه حکمرانی است یک مسیر طی‌شده‌ای دارد. اگر گمان می‌کنیم قانون سال ۱۳۸۳ اشکالاتی دارد و در مسیر توسعه کشور واقعاً حسن‌نیت داریم، اشکالات این قانون سال ۱۳۸۳ را برطرف کنیم. نه اینکه از در پشتی بخوایم قانون را دور بزنیم و به مفروضات دهه چهل برگردیم. واقعاً کشورهای دیگر هم با سرمایه‌های نهادهی خود اینگونه برخورد می‌کنند؟ قبل از این قانون، آئین‌نامه‌های مختلفی داشتیم که در بسیاری جهات با یکدیگر مغایرت داشتند. حالا اگر بخوایم این قانون را کنار بگذاریم و آن قوانین مغایر را اجرا کنیم به چه چیز بر خواهیم گشت؟ چه چیزی نصیب اقتصاد کشور خواهد شد؟ متولیان سامانه ستاد اعلام کرده‌اند ۲۶ هزار نهاد ارجاع‌دهنده کار و برگزارکننده معامله از طرف بخش عمومی را ثبت‌نام کرده‌اند و به آنها توکن داده‌اند. برای من شگفت‌انگیز است؛ ۲۶ هزار نهاد داریم که با پول مردم در حال معامله هستند. اگر این نهادها با یک قانون واحد اداره نشود و هر یک با آئین‌نامه خودش، معامله انجام دهد، قطعاً فعال اقتصادی سردرگم می‌شود. مثلاً در یک نهاد ممکن است برای پیشنهاد دو روز وقت بدهند و در نهاد دیگر ۲۰ روز و البته این مثال صرفاً در بخش مواد و تشریفات معمول مناقصات است. شما ببینید در بخش‌های تشخیصی و معیارها و موازن چقدر ممکن است رفتار سلیقه‌ای باشد، مثلاً هر نهاد عمومی و دستگاه اجرایی می‌تواند با مقررات خودش بخشی از مردم را بر اساس آیین‌نامه‌های داخلی ممنوع‌المعامله کند که نمونه‌های زیادی در مقررات قبلی داشته‌ایم. خیلی جاها ارزیابی مناقصات و تعیین برنده معاملات اگر موازن و معیارهای مشخص و قانونی یکسانی نداشته باشد شمی و تشخیصی می‌شود. با این شم و تشخیص ممکن است یک فعال اقتصادی را از مسیر تولید خارج کنید. بنابراین کنار گذاشتن قانون یک بازگشت به عقب است. چرا به دنبال قانون جدید برای ارجاع کار مشارکت عمومی خصوصی و یا طرح‌های صنعت نفت هستیم؟ آیا به اندازه کافی از ظرفیت این قانون برای مواردی که بهانه تاختن به قانون شده‌اند آگاهی داریم که چنین ناگاهانه آن را ناکارآمد می‌خوانیم؟ ما به مرض قانون‌درمانی دچار هستیم.

**آ در حوزه نفت و استخراج، گاهی تکنولوژی مورد نیاز در داخل وجود ندارد. آیا قانون مناقصات اجازه خرید تکنولوژی خارجی را می‌دهد؟**

**مقیسه:** بر اساس ماده ۲۰ این قانون، در انجام معامله دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های ایرانی نسبت به خارجی‌ها در اولویت هستند. البته قانون‌گذار برای انجام معامله با خارجی‌ها، مسیر شعوری اقتصاد را پیش‌بینی کرده است. این قید به شکل دیگری در بند (الف) ماده (۵) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور تکرار شده است. در خصوص آن دسته از کالا و خدمات که به واقع در کشور قابلیت تولید و ارائه دارند بحثی وجود ندارد. اما در عمل، به دلیل فرایند طولانی اخذ مجوزها جهت انعقاد قرارداد با شرکت‌های خارجی و نیز وجود این قید در قانون، بازار واسطه‌ها و تأمین‌کنندگان کالاها رونق یافته و دستگاه‌های اجرایی که خود می‌توانستند با شاخص مطلوبیت همین قانون، یعنی هزینه کمتر، نسبت به تأمین نیاز خود اقدام کنند، باید به صورت غیرمستقیم مبلغ بالاتری بپردازند. این موضوع در خصوص قراردادهای سرمایه‌گذاری فاقد هرگونه توجیه است. در توسعه‌یافته‌ترین کشورها و شکوفاترین اقتصادها هم، جذب سرمایه‌گذار خارجی اولویت و مرغوبیت بالاتری نسبت به منابع داخلی کشورها دارد. صرف‌نظر از شرایط فعلی کشور، انعقاد قرارداد با سرمایه‌گذاران خارجی بر اساس قانون مذکور مستلزم برگزاری مناقصه عمومی و یا اخذ مصوبه ترک تشریفات موضوع مواد ۲۷ و ۲۸ آن است که موجب صرف زمان بسیار زیاد و دافعه در مقابل ورود سرمایه خارجی و فناوری‌های جدید به کشور می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که حتی در قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نیز با وجود درج انواع مشوق‌ها، هیچ ظرفیتی برای واگذاری پروژه‌ها و انعقاد قرارداد با سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌بینی نشده است و این یکی از تناقض‌های بزرگ در حوزه توسعه کشور محسوب می‌شود که مشوق برای مخاطبینی لحاظ شده که اساساً امکان ورود به قرارداد ندارند. موضوع الزام به ارجحیت پیمانکار ایرانی، در ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات تصریح دارد. این بحث کاملاً متفاوت از اولویت داشتن سرمایه‌گذار (و نه پیمانکار یا تولیدکننده) خارجی نسبت به داخلی است. اتفاقاً همین مغالطه نشان‌دهنده عدم تناسب این قانون برای سرمایه‌گذاری و توسعه کشور است. شرکت ملی نفت ایران در همین قراردادهایی که در انتهای دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ با استفاده از آیین‌نامه معاملاتی خود واگذار نمود، سرمایه‌گذاران (و نه پیمانکاران) خارجی را متعهد

در نظر گرفته شده است. این بررسی‌ها در سطح بین‌الملل گاه تا دو سال نیز زمان می‌برد. ما یک کیلومیه نمی‌خواهیم خریداری کنیم. بلکه یک میدان نفتی با همه پیچیدگی‌ها و همه احتمالاتی که در سال‌های آینده ممکن است برای قیمت و سایر موضوعات میدان اتفاق بیفتد را می‌خواهیم واگذار کنیم. ۶ ماه برای بررسی این جوانب متعدد و پیچیده به‌هیچ‌وجه مدت‌زمان طولانی محسوب نمی‌شود.

**آالبته در صورت مستثنی شدن از «قانون برگزاری مناقصات»، قرار است طبق «آئین‌نامه معاملات شرکت نفت» این قراردادها منعقد شود. یعنی بدون قانون و مقررات واگذاری انجام نمی‌شود...**

**حلاج:** بله حتماً بدون قاعده و قانون نیست. یاسای چنگیز هم قانون بوده. ما شیفته ذکر کلمه قانون نیستیم. این موضوع که در این قانون چه چیزهایی قید شده، اهمیت دارد. پرسش کلیدی این است که آیا در این قانون یا آیین‌نامه رفتارها پیش‌بینی‌پذیر است؟ آیا معیارهای انتخاب طرف قرارداد منتشر می‌شود؟ آیا ماده مشخصی برای رفع ابهامات وجود دارد؟ از آن طرف، ما شیفته نام «قانون مناقصات» هم نیستیم. اما «قانون مناقصات» اولاً بالاترین سطح تقنینی بعد از قانون اساسی یعنی مصوب مجلس کشور است. ثانیاً در این قانون برای پاسخگویی و شفافیت، حکم‌های منجز و روشن گذاشته شده است. گفته شده: «متن قرارداد باید در اختیار همه افراد علاقه‌مند و واجد شرایط قرار داده شود». همانطور که شما هم در درس‌های خرنوبیسی قیودی مثل چه کسی؟ چه زمانی؟ کجا؟ را دارید، در مناقصات هم باید این جزئیات برای طرف‌های قرارداد روشن باشد. «قانون برگزاری مناقصات» تأکید می‌کند که دستگاه بخش عمومی باید طرف ۱۵ روز جواب بدهد و بالاترین مقام دستگاه عمومی پای آن پاسخ بایستد. درحالی‌که هیچ‌یک از این احکام در «آئین‌نامه معاملات شرکت نفت» نیامده است. این آئین‌نامه در سال ۱۳۸۰ نوشته شده. به این تاریخ دقت کنید. در آن زمان مفروضات قانونی کشور مربوط به سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۹، یعنی «قانون آیین‌نامه معاملات دولتی» بود. اما «قانون برگزاری مناقصات» سه سال بعد از «آئین‌نامه معاملات شرکت نفت» تصویب شده است و مفروضات قانونی میان بخش عمومی و بخش خصوصی را عوض و اصلاح کرده است.

**مقیسه:** شاخص مطلوبیت در این قانون مناقصات، حداقل بودن هزینه بین پیشنهادهای فنی قابل قبول ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان در مناقصه است. این شاخص، باوجود آنکه در نگاه اول اصلی بدیهی به نظر می‌رسد، در عمل و اجرا موجب حذف مناقصه‌گرانی می‌شود که نسبت به اجرای تعهدات در قرارداد نگاه واقع‌بینانه دارند و ارائه کیفیت مطلوب و حفظ نام و اعتبار برند تجاری خود را هم‌عرض با سود اقتصادی خود می‌بینند. علاوه بر این با توسعه فناوری‌های جدید و تحول سریع در شیوه‌های اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و استانداردهای فرایندهای ساخت فناوریانه تجهیزات، تعیین شرح کاری واحد توسط دستگاه‌های اجرایی، به‌خصوص در طرح‌های توسعه‌ای، به معنای حذف پیشنهادهای فناوریانه‌ای است که دستگاه‌های اجرایی دانش و آگاهی لازم به آن را ندارند. این مهم در ابعاد اقتصادی طرح‌ها و پروژه‌ها از اهمیت بسیار بیشتری نیز برخوردار است. به گونه‌ای که نوسانات غیرقابل پیش‌بینی اقتصادی در کشور، اعم از تغییرات قیمت ارز، فلزات، مواد و مصالح ساختمانی، هزینه‌های نیروی انسانی و... عملاً پیشنهادات مالی دریافت‌شده از مناقصه‌گران را به یک بخت‌آزمایی تبدیل کرده که در اکثر قریب به اتفاق موارد، بخش‌نامه‌های متعدد سازمان برنامه و بودجه کشور برای تعدیل قیمت‌ها و یا جبران آثار ناشی از افزایش قیمت ارز توانایی جبران آن را نداشته و در عمل، شرکت طرف قرارداد حاضر به ضبط ضمانت‌نامه انجام تعهدات توسط کارفرما یا هدف جلوگیری از تحمل زیان و خسارت بیشتر با ادامه قرارداد، می‌شود. در بسیاری از قراردادها، با استنکاف پیمانکاران از اجرای قراردادها به دلایلی که اشاره شد و حدوث شرایط فسخ قرارداد، دستگاه اجرایی که کاملاً از فرایند طولانی و پیچیده و افزایش چشمگیر قیمت پیشنهادی جدید در مناقصه مجدد آگاه است، به انواع روش‌ها متوسل می‌شود که مانع فسخ قرارداد شده و پیمانکار را متقاعد به انجام پروژه کند؛ که البته این روش‌ها بعضاً باوجود آنکه تأمین‌کننده منافع پروژه و صرفه و صلاح کشور هستند اما الزاماً مطابق قانون برگزاری مناقصات نخواهند بود. این مسئله در خصوص قراردادهای با ماهیت سرمایه‌گذاری، حادتر و غیرقابل پذیرش‌تر خواهد بود. در نظر بگیرید که یک میدان نفتی در قالب قانون برگزاری مناقصات به سرمایه‌گذاران صاحب صلاحیت واگذار شود. شاخص مطلوبیت بر اساس این قانون، حداقل قیمت پیشنهادی به ازای تولید واحد محصول، یعنی هر بشکه نفت خام است. بر این اساس، شرکت ملی نفت ایران با ارائه یک شرح کار و برآورد ۴۰ میلیون بشکه‌ای از میزان تولید میدان، نسبت به اخذ پیشنهادهای مالی اقدام می‌کند. شرکت (الف) در این فراخوان قیمت ۳ دلار به ازای هر بشکه تولید طی مدت سه سال، شرکت (ب) قیمت ۴/۵ دلار به ازای هر بشکه تولید طی مدت ۲/۵ سال و شرکت (ج) قیمت ۵ دلار به ازای هر بشکه تولید طی مدت ۳ سال اما با میزان تولید ۵۵ میلیون بشکه‌ای را ارائه می‌کند. بر اساس قانون برگزاری مناقصات و اصل حداقل قیمت متناسب، برنده این مناقصه شرکت (الف) است که کمترین قیمت را ارائه داده است اما با تغییر زاویه دید به این پروژه از رویکرد قیمت (هزینه) حداقلی به عایدی حداکثری، پیشنهاد (ج) بالاترین عایدی و درآمد برای کشور را ایجاد می‌کند چراکه با وجود بالا بودن هزینه تولید به ازای واحد محصول، به دلیل دسترسی به

## چقدر از ترک تشریفات در میادین نفتی بهره‌بردید؟



محسن رجبایی  
 کارشناس بخش معاملات عمومی سازمان برنامه

قبل از سال ۱۳۸۳ یعنی بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ که قانون مناقصات نوشته می‌شد ما حدود ۵۰ قانون و آئین‌نامه داشتیم که هر دستگاه دولتی مثل وزارت راه، جهاد کشاورزی، نفت و... از آئین‌نامه خود استفاده می‌کرد. هر قانون هم رویه مخصوص به خود را داشت. قانون مناقصات که در سال ۱۳۸۳ تصویب شد، تمام این قوانین را منسجم کرد در یک قانون و با یک انسجام کلی روش برگزاری مناقصات عمومی مشخص شد. سعی کردیم یکپارچگی در این قانون حفظ شود و دستگاه‌ها بدانند که برای برگزاری مناقصه فقط با یک قانون طرف هستند.

امروز برخی مسئولین در وزارت نفت به دنبال مستثنی کردن قراردادهای نفتی از قانون برگزاری مناقصات هستند. یکی از دلایلی که می‌آوردند، زمانبر بودن فرایند بررسی در قانون و از دست رفتن فرصت بهره‌برداری از میادین به‌خصوص میادین مشترک بود. در پاسخ به این گروه باید گفت در سال ۱۳۹۱ قانونی به تصویب رسیده که میادین مشترک را از قانون برگزاری مناقصات مستثنی کرده و مناقصات در آن حوزه بر مبنای آئین‌نامه معاملات نفتی انجام می‌شود. باید این پرسش را از آنها داشت که در این ۱۴ و ۱۵ سال که این قانون تصویب شده و این مجوز را از مجلس گرفتید، چقدر از ظرفیت آن استفاده کردید و چقدر در قراردادهای نفتی در میادین مشترک پیشرو بودید که امروز قصد دارید برای سایر میادین نفتی هم این اختیار را بگیرید؟

امروز یکی از ایراداتی که مخالفان قانون برگزاری مناقصات وارد می‌کنند، رقابت افراد حاضر در دامنه است. این در حالی است که در قانون مناقصات این موضوع نیامده است. در قانون ذکر شده که به کمترین قیمت متناسب، خرید خدمت یا کالا واگذار شود. در آیین‌نامه‌های قانون نیز مشخص شده که قیمت متناسب بر اساس مشخصات فنی و ترانزنده، تعیین می‌شود. از طرف دیگر ممکن است در مناقصات، چه مناقصات یک‌مرحله‌ای و چه مناقصات دومرحله‌ای، ممکن است قیمت متناسب مشخص نشود و قیمت‌های ارائه‌شده دور از آن باشد. به همین دلیل سازمان برنامه دستورالعمل تعیین قیمت‌های متناسب را تدوین کرده است. بر این اساس افرادی که قیمت پرتی می‌دهند از مناقصه کنار گذاشته می‌شوند تا مناقصه دچار خطا نشود. پس در قانون چیزی به عنوان رددرخواست‌هایی که در دامنه تعیین شده است، نیامده است.

تلقی مخالفان قانون مناقصات این است که طبق قانون فقط پایین‌ترین قیمت مورد پذیرش است و به مسائل فنی توجه نمی‌شود اما در ماده ۲۰ قانون به کمترین به قیمت متناسب اشاره شده است. یعنی اصل قانون به این نکته توجه‌دارد که پایین‌ترین قیمت مطرح نیست بلکه کمترین قیمت متناسب مطرح است. شاید دوستانی که در بخش نفت هستند دنبال مذاکره بیشتر باشند. چون قانون مذاکره را محدود کرده است. از این بدمی توان به نقطه‌نظر مخالفان توجه کرد و ایرادات را اصلاح کرد.

یکی دیگر از ایراداتی که مطرح می‌کنند عدم شرکت مناقصه‌گران خارجی است. درحالی‌که قانون اصلاً به این موضوع اشاره نکرده که مناقصه‌گر داخلی باشد یا خارجی، بلکه این قانون استفاده حداکثری از توان تولید داخل است که بر حضور مناقصه‌گران داخلی تأکید دارد. بنابراین اگر اصلاحی در این زمینه قرار است انجام شود باید قانون استفاده حداکثری از توان تولید داخل اصلاح شود. در ادامه مخالفان قانون به این نکته اشاره می‌کنند که به دلیل وجود تحریم‌ها لازم است برخی قراردادهای نفتی محرمانه بماند ولی قانون این اجازه را نمی‌دهد. اول توضیح این نکته ضروری است که قانون مناقصات برای وجود شفافیت در قراردادها نوشته شده است. حتی در صورت ترک تشریفات و عدم الزام باید مستندات لازم ارائه شود و این کار شفاف صورت گیرد. دوم اینکه بندی در ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات وجود دارد که درباره موارد عدم الزام به برگزاری مناقصه است که یکی از این موارد، قراردادهای محرمانه است. در قانون تأکید شده قراردادهای محرمانه باید به تأیید هیئت وزیران برسد. اگر هیئت وزیران تأیید کند، اطلاع‌رسانی لازم ندارد و قرارداد به صورت محرمانه باقی می‌ماند. با توجه به این بند در قانون این طور به نظر می‌رسد که برای مخالفان قانون، سخت است دلایل خود را به اطلاع هیئت وزیران برسانند. وگرنه قانون را با باز گذاشته و موارد محرمانه قابل انجام است و با نظر دستگاه مربوطه می‌تواند ترک تشریفات صورت گیرد.